ناخدا "نات پالمر" کاشف جزایر "پالمر" در قطب جنوب

ناخدا نات پالمر در هشتم اوت سال ۱۷۹۹ در بندر ستانینگن آمریکا چشم به جهان گشود. هنگامی که به سن ۱٤ سالگی رسید در یک کشتی بازرگانی که در کرانه های شمالی آمریکا به حمل کالا مشغول به کار بود پرداخت. در آن زمان شکار حیوانات دریایی سود خوبی داشت و اکثر دریانوردان ترجیح می دادند که به چنین سفرهایی بروند، زیرا در آبهای شمال غربی آمریکا شکار فراوان بدست می آمد هم نهنگ دریایی فراوان یافت می شد و هم انواع سگهای دریایی هم گوشتشان و هم روغنشان به شکار چیان سود می رساند و هم پوستهای خزدار گرانبهایشان.

ملوان پالمر هم پس از چند سال دریانوردی در دریاهای شمال و جنوب آمریکا و کسب تجربه و با دارا بودن مدرک ناخدایی بد ندید که این راه دریایی را هم امتحان نماید.

فوریه سال ۱۸۲۱ بود، اما قطب جنوب در نیمه تابستان به سر می برد .مه غلیظی روی دریاهای قطب جنوب می غلتید و هوا را سرد و مرطوب می کرد در چنین روزهایی کشتی کوچکی به نام قهرمان که ازماهها پیش برای صید سگ آبی از آمریکا به دریاها راه می سپرد به حوالی قطب جنوب می رسید این کشتی آمریکایی فقط یک دکل و ٤٤ تن وزن داشت فرسنگها از دماغه هورن رو به جنوب رانده بود و اینک پس ازگذشتن از جزایر شتلند جنوبی به آبهایی راه می یافت که تا به حال ناپیموده بود سرنشینان این کشتی در جستجوی دریایی پر شکار راهی به آن درازی سپرده به قطب جنوب رسیده بودند در آن روزگار پوست سگ آبی در بازار آزاد هر یک بیش از ۵ دلار می ارزید همه صیادان در آرزوی آن بودند که شاید بتوانند به گله ای از سگان دریایی دست یابند گله ای که از چنگ شکارچیان دیگر دور مانده باشد.

همه سرنشینان کشتی کوچک قهرمان پنج تن بودند سالخورده ترین آنها سیاه پوستی خنده رو بود که سی و یک سال سن داشت که پیش از آن آشپزی می کرد اما اکنون کارگر کشتی بود جوانترینشان بیش از ۱٦ سال سن نداشت ناخدای این قایق نات پالمر بود با آنکه تنها ۲۱ سال سن داشت اما قامتی بلند داشت و مثل خرسهای قطبی تنومند و پر مو بود.

هنگامی که جزایرشتلند جنوبی را برای ادامه گشت ترک کردند هنوز بیست و چهار ساعت دریانوردی نکرده بودند که صخره های جزیره ای در دیدگانشان نمایان شد به آن نزدیک شدند جزیره دی سپ شن بود که از بخار هوا دم کرده بود و گرداگردش را صخره های مه گرفته و خیال انگیزی فرو می پوشاند این جزیره ستیغ کوهی آتش فشان بود که از سطح آب بالا آمده بود در این جزیره و دریاهای حوالی نیز نشانی از سگ آبی ندیدند اما کابوسی که از شگفتیهای این جزیره بر دلها شان مستولی گشته بود چند لحظه آنها را از فکر شکار بیرون آورد. ناخدا موقعیت این جزیره را بر روی نقشه علامت گذاری نمود و آنگاه شرحی پیرامون آن در دفتر یادداشتهایش نوشت سپس راه خود را ادامه داد.

دیده بان کشتی از جزیره دی سپشن پرتوی سپید گونه دیده بود که از قله های برف گرفته کوهی عظیم می درخشید این کوه از جنوب و جنوب غربی برخاسته بود و در دور دستها ی افق به آسمان پریده رنگ می پیوست بادبانها را بدان جانب گشودند هنوز تاریکی شب دوم سایه نگسترانده بود که به کرانه های پر صخره و بلند فرا رسیدند آبهای سهمناک خروش بر می آوردند و بریده گیهای دندانه وار صخره ها را در کام می کشید موجهای گران سر بر سینه ساحل می کوفتند بر ستونهای دندانه وار و تیره رنگ سنگ فرود می آمدند و با غریویی بلند فرو می پاشیدند در پشت این پرتگاهای ساحلی کوههایی عظیم سر به آسمان می ستود.

هنوز هیچ نشانی از سگهای آبی ندیده بودند گذشته از این دریای هراس انگیز سراسر ساحل پر از پاره های شناور یخ بود و کشتی ران را زهره آن نبود که زیاده به ساحل نزدیک براند.

چندین روز گاه به سوی جنوب و گاه رو به مغرب کشتی راندند اما به خشکی راهی نیافتند آنگاه به یقین دانستند کوهستانی که در پیش راهشان پدیدار گشته جزیره ای مسکونی نمی باشد دیگر از پیدا کردن سگ آبی هم نا امید شده بودندکشتی را گرداندند و رو به شمال و به سمت جزایر شتلند جنوبی بادبان بر افراشتند در آنجا می بایست به ناوگان صیادان که در انتظارشان هستند بپیوندند اما در همین هنگام مه غلیظی دریا را فرو گرفته بود و هر لحظه هم بر غلظت آن افزوده می شد.

قهرمان مدت دو شبانه روز در دریا و در میان تیره گی سرگردان بود و هیچ تکان نمی خورد. نیمه شب روز دوم چون نوبت به نگهبانی ناخدا پالمر رسید وی به روی عرشه آمد نیم ساعت پس از نگهبانی به رسم دریانوردان آن روز زنگ کشتی را به صدا در آورد بی درنگ دو طنین زنگ دیگر یکی به سمت کشتی آنها و یکی به سمت ساحل به گوش رسید گویی انعکاس زنگ آنها بود سکان بان و دیده بان هردو متحیر شدند آنها یاد افسانه دریانوردان قدیمی و سر گردانی همیشگی در دریاها افتادند و ترس سراسر وجودشان را فرا گرفت ناخدا نیز به وحشت افتاده بود چنین به نظر می رسید که طنین صدای آن دو زنگ با طنین صدای کشتی کوچک آنها قهرمان یکسان نمی باشد اما او آن را ناشی از تیره گی مهی که اطراف آنها را پوشانده بود دانست یک ساعت از نیمه شب دوباره زنگ را به صدا در آوردند و باز هم همان حادثه تکرا ر شد و پس از چند بار تکرار باز هم جواب شنیدندملوان به ناخدا گفت: به گمانم در اطراف ما کشتیهای دیگری هم هستند و سپس به ناخدا گفت: کاپیتان صدایی که از آن سو شنیده می شود خیلی به صدای انسان نزدیک است ، اما از پاسخ پالمر مشخص بود که حواسش جای دیگری است گفت: شاید صدای سگهای آبی باشد.

پالمر بی درنگ پرچم آمریکا را بر روی کشتی به اهتزاز در آورد به یک چشم به هم زدن قایقی به سمت کشتی کوچک آنها آمد واز درون آن ناوبان جوانی به روی عرشه کشتی آمد و درود دریاسالار خود را به ناخدای کشتی رسانید

صبحگاهان آفتاب دمید و از پی آن بادی در فضا پیچید و با خود مه را از بین برد چون مه و تیره گی از بین رفت افسران و جاشوان کشتی قهرمان هر پنج تن از روی حیرت چشمان خود را می مالیدند اما خواب و خیال نبود در سمت راست آنها و در سمت چپ آنها چندین کشتی به صف ایستاده بودند چند کشتی بزرگ و بلند پیکر که برروی آنها صلیب دولت سلطنتی روسیه به چشم می خورد. پالمربی درنگ پرچم آمریکا را برروی کشتی به اهتزاز در آورد به یک چشم به هم زدن قایقی به سمت کشتی کوچک آنها آمد واز درون آن ناوبان جوانی به روی عرشه کشتی آمد و درود دریاسالار خود را به ناخدای کشتی رسانید و به او گفت :دریاسالار خواستار ملاقات با وی می باشد.

ناخدا پالمر پذیرفت و به درون قایق روسی رفت چکمه های پوستی و نیم شلواری و کت پاره او با یراقهای طلایی افسران روسی تضادی آشکار داشت ناخدا پالمر به ناو فرماندهی روسیه هدایت شد و در آنجا با دریاسالار روسی ملاقات نمود این ناوگان از دو سال پیش به فرمان تزار روسیه به دریاهای جنوب آمده بودند تا به خشکی دست یابند وآن را به روسیه الحاق نمایند، بی آنکه در کار خود توفیقی یابند دریاسالار از ناخدا پالمر پرسش هایی پیرامون همین مسئله نمود و ناخدا شرح حال آنچه را که دیده بود به دریاسالار ارایه نمود، دریاسالار با اشتیاق پرسید این جزیره در کجا واقع شده است پالمر به سمت نقشه رفت و موقعیت آن را به دریاسالار نشان داد فرمانده روسی خوشحال شد و برق شادی در چشمانش درخشید. اینک پس از دو سال گشت و گذار به آنچه پادشاه فرموده بود دست می یافت اکنون دیگر می توانست به وطن بر گردد دریاسالار با آن فروشکوه و آن یراقهای طلایی لباسش ناخدای جوان آمریکایی را که از پوستینش بویی زننده بر می خاست مخاطب قرار داد و گفت: من از شما متشکرم از جانب تزار هم از شما متشکرم من به آن ساحل کوهستانی خواهم راند تا به درستی گفته های شان پی ببرم اگر راست بود می پندارم که سزاوار هستید نام شما را بر آن خطه بگذارم تا همیشه به یاد شما سرزمین پالمر خوانده شود من دروغ نگفته ام خواهید دید نات پالمر جز این جواب چیزی دیگر نداشت که بگوید ولی او این ماجرا را چندان با اهمیت نگرفت و هنگامی که به میهن برگشت تنها به اشاره ای از آنچه رخ داده بود بسنده نمود او حتی در آن موقع نیز در فکر شکار سگ آبی بود که تا به حال هیچ جا نتوانسته بود ند از آن نشانی بیابند نام نات پالمر از آن پس در زمره دریانوردان و کاشفان مشهور جهان همچون کریستف کلمب ماژلان و کاپیتان کوک قرار گرفت زیرا او نخستین کسی بود که به مرکز قطب جنوب رسیده بود. امروزه جزیره بزرگی در دریای قطب جنوب به نام ناخدا پالمر می باشد.

محمد مرادی نسب

طوفان ذهنی
(BRAIN STORMING)

طوفان ذهنی ابزاری است برای دریافت تعداد زیادی پیشنهاد از کارکنان در یک زمان کوتاه .

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که این ابزار خدماتی به منظور دریافت پیشنهادات مناسب یا جدید نیست بلکه روش ساده ای برای دستیابی به تعدادزیادی از پیشنهادات بدون توجه به محتوی و ماهیت است .

مراحل انجام طوفان ذهنی

گام اول- آماده سازی:

این گام شامل سه مرحله به شرح ذیل است :

۱- تعیین یک مدت زمان محدود برای انجام طوفان ذهنی(مثلاحدود ۳۰ دقیقه)

۲ -انتخاب نفر یا نفراتی برای ثبت پیشنهادات ارائه شده.

۳ -یادداشت پیشنهادات هدف اصلی در این روش تولید تعداد زیادی پیشنهاد می باشد.

نکته قابل ذکر آن است که در زمان ارائه پیشنهادات از طرف تیم شرکت کننده در فرآیند انجام طوفان ذهنی،نباید هیچگونه نقدی در خصوص صحت و یا عدم صحت پیشنهادات انجام شود .

گام دوم- موضوعات قابل طرح در جلسه:

موضوعی که در رابطه با آن طوفان ذهنی انجام می ش ود بر روی تخته سیاه نوشته شده و یا عکس و نمودار آن را بر روی دیوار روبرو نصب نمود .

گام سوم - طوفان ذهنی انفرادی :

اجازه بدهید تا کلیه اعضای تیم حداقل ۱۰ دقیقه به تنهایی فکر نموده و ایده های خود را روی کاغذبنویسند .

انجام این مرحله خیلی ضروری نیست، در صورت امکان می توان به جای فکر کردن افراد تیم ، یک موسیقی کلاسیک یا آرام برای تفکر بهتر نفرات پخش نمود .

گام چهارم - طوفان ذهنی گروهی:

این گام در دو مرحله بشرح ذیل انجام می شود :

۱ -تشویق افراد به مشارکت آزادانه جهت ابراز پیشنهادات ،کلیه پیشنهاد مطرح شده توسط اعضا بر روی یک وایت برد فهرست وار نوشته می شود .

۲- ارائه پیشنهادات از یک شخص آغاز شده و بصورت گروهی از افراد خواسته می شود تا ایده هایشان را اعلام نمایند . درصورتیکه در هر بار گردش فردی ایده نداشته باشد نوبت را می توان به نفر بعدی ارجاع داد .

این کار تا زمانی که هیچ یک از اعضای تیم دیگر نظری برای ارائه نداشته باشند ادامه می یابد .

گام پنجم - بحث و مذاکره:

زمانیکه پیشنهادات لیست گردید بحث بر روی پیشنهاداتی که خیلی واضح نیستند تا زمان رفع ابهام آنان انجام می شود وتصمیمات لازم برای پیشنهادهای ارائه شده اتخاذ می گردد.

گام ششم - آن سوی طوفان ذهنی:

۱ -زمانیکه تمام ایده ها جمع آوری و بحث های لازم بر روی آنها پذیرفته شد طوفان ذهنی پایان می یابد و آن را می توان نقطه فرآیند دانست .

می توانید فهرست پیشنهادات ایجاد شده در طی فرآیند طوفان ذهنی را در دسته بندیهای نزدیک به هم مرتب نمائید.

(با یک عنوان یا برچسب شخصی)

۲- برای حذف کردن بعضی از دسته های مرتب شده در داخل بانک اطلاعاتی،معیارهایی مانند هزینه،زمان،انطباق و یا قابلیت دسترسی در پیشنهادات را در نظر گرفته و سپس با توجه به بدست آوردن کلیه شرایط لازم نسبت به برنامه ریزی و اجرای پیشنهادات اقدام نماید .

تهیه کننده : سوسن غلامی معاون دبیرستان آسیه

طالع بینی

◆ فروردین

اگر می خواهید کاری را از پیش ببرید بهتر است افرادی را که می دانید از شما دفاع می کنند، قانع کنید.

فرصت هایی به دست می آورید که موفق تر می شوید.

◆ اردیبهشت

شاید فرصت های امروز را از دست بدهید. تحت تصورات دیگران قرار نگیرید. می توانید مشکلات خانه را حل کنید.

◆ خرداد

می توانید به ایده های خوب دیگران توجه کنید. آن ها را دلسرد نکنید.

سعی کنید حمایتشان کنید، از شما دعوت می کنند به آن ها ملحق شوید. انتخاب آن به خودتان بستگی دارد اما اگر غبطه بخورید این ماه را با وضعیت بدی به پایان رسانده اید.

◆ تیر

هیچ کس دوست ندارد دیگران برایش تصمیم بگیرند، شما هم همین طور.

به طور معمول لازم است با این افراد به طور جدی برخورد کرد اما در شرایط کنونی مجبور هستید پیشنهاد آن ها را بپذیرید.

◆ مرداد

شاید از رفتار دیگران و شرایط متعجب شوید اما سعی نکنید آن را پنهان کنید.

زمانی که چنین تغییراتی پیش می آید همه دوست دارند در مورد آن صحبت کنند.

◆ شهریور

راحت باید بگویم که امروز از جمله روزهایی است که نمی توانید هر کاری می خواهید انجام دهید. اگر تلاش کنید شرایط را بدتر می کنید و باعث دعوا می شوید.

نمی توانید آن طور که می خواهید و دوست دارید زندگی کنید.

◆ مهر

سعی نکنید آن چه را که در ذهنتان می گذرد مخفی کنید. اگر آرزوهایتان را برای دیگران بازگو کنید متوجه می شوید که چه طور دیگران آماده اند تا آن ها را به حقیقت تبدیل کنند.

می توانید در مقابل یک نفر از خودتان دفاع کنید اما این کار غرور شما را افزایش می دهد.

◆ آبان

امروز بی حوصله هستید و برای انجام کارها باید بیش از همیشه تلاش کنید. با اراده ای که دارید در همه کارها موفق می شوید.

◆ آذر

دوستان و آشنایان کمی بی حوصله و عصبانی هستند، اگر از آن ها درخواستی دارید بهتر است ۲٤ ساعت صبر کنید.

◆ دی

حق و حقوقی دارید اما امروز در این زمینه با مشکل رو به رو می شوید. تنها کاری که باید بکنید این است که به کارهای روزانه بپردازید و همه چیز به خوبی پیش می رود.

◆ بهمن

امروز کمی سخت و مشکل است، شاید با همسرتان دچار مشکل شوید.

شاید تغییرات مفیدی ایجاد شود و شما اطلاعاتی به دست آورید که دیگران متوجه آن نشده اند.

◆ اسفند

امروز بهترین روز برای مذاکره و صحبت با دیگران است و می توانید مشکلات مالی تان را حل کنید.

اگر با مشکل رو به رو شوید ترجیح می دهید سرتان را زیر برف کنید اما با این کار مشکلات را بیشتر می کنید.

مفقودی

پروانه بهره برداری شرکت بوران کوهین جنوب دارای پروانه شماره ۱۳/۱۲۵۰۱ مورخه ۸٤/۱۰/۸ به نشانی شهرستان بندرلنگه - بخش مرکزی - روستا کوهین از درجه اعتبار ساقط است

بندرکنگ حسین بابو

بانک اطلاعات مسکن بندر سازان و کوثر

رهن - اجاره - خرید - فروش و پیش فروش - مشارکت در ساخت آپارتمان کامل یکجا-زمین های آبشورک - دزک-باغو- خلیج فارس و سطح شهر

تلفن تماس: ۶۶۶۹۶۶۷

۶۶۶۸۵۳۰ - ۶۶۶۹۴۷۶

آگهی مناقصه (نوبت دوم)

شهرداری سوزا در نظر دارد جمع آوری زباله ، تنظیف معابر و جمع آوری احشام سطح شهر را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان می توانند حداکثر ظرف مدت هفت روز پس از درج این آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به شهرداری سوزا مراجعه نمایند. ضمناً شهرداری سوزا در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار خواهد بود و هزینه درج آگهی به عهده شرکت برنده مناقصه می باشد.

تلفن ۵۷۲۳۲۳۴، ۵۷۲۲۷۳۴-۰۷۶۳

شهرداری سوزا

آگهی مناقصه (نوبت دوم)

شهرداری سوزا در نظر دارد نسبت به بکارگیری دو نفر راننده پایه یک، یک نفر راننده لودر با گواهینامه ویژه، یک نفر راننده گریدر با گواهینامه ویژه، یک نفر کمک آتش نشان، یک نفر منشی دفتر شورا، یک نفر مستخدم شهرداری، دو نفر نگهبان و دو نفر کارگر متفرقه را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان می توانند حداکثر ظرف مدت هفت روز پس از درج این آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به شهرداری سوزا مراجعه نماید. ضمناً شهرداری سوزا در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار خواهد بود و هزینه درج آگهی به عهده شرکت برنده مناقصه می باشد.

تلفن ۵۷۲۳۲۳۴،۵۷۲۲۷۳۴-۰۷۶۳

شهرداری سوزا

چنانچه هنگام مصرف دارو دچار عوارض دارویی شدید، حتما آن را با پزشک خود در میان بگذارید

مرکز بهداشت استان هرمزگان